

بال دعا در آسمان نماز



فصل روشنی
حجت الاسلام والمسلمین حسین آبراهیمی

لفظ صلاه که به معنای نماز است، دراصل ریشه خودش به معنای دعا بوده است و دعا یعنی ابراز نیاز به سوی رب بی نیاز درواقع حقیقت عبادت، همین ابراز نیاز کردن به خداوند است و این امر در دعا جلوه می کند. در ادبیات عامیانه می گویم کسی که می خواهد با خدا صحبت کند، نماز بخواند و کسی که می خواهد خدا با او صحبت کند، قرآن بخواند. پس درواقع این ابراز نیاز و این دعا و صحبت کردن با خدا که در لسان روایت، مغز عبادت است، باید در تمام نمازهای ما جلوه گر باشد، چون به اندازه ای که این حقیقت در نماز ما جاری و ساری باشد، نماز ما رنگ پیدا می کند. گاهی انسان به زیان شب دعا هم می خواند اما در وجود و دلش، حقیقت دعا که توجه تام و ابراز عجز و فقر و نیاز به خداست، وجود ندارد. در مقابل ابراز نیاز به خداوند، مفهوم استغنا و احساس استغنی از باری تعالی وجود دارد که این یکی از گناهان بزرگ است. در آیه ۶۰ سوره غافر ذکر شده است:

«قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا (دعا) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند، به زودی با ذلت وارد دوزخ می شوند!.

در این آیه معروف، خداوند تعالی دستور به دعا کردن می دهد و می فرماید دعا کنید تا استجابات کنیم، اما نکته مهمی در آیه وجود دارد و آن اینکه در ادامه آیه، نقطه مقابل اهل دعا بودن را معرفی می کند و آن استکبار است. درواقع خداوند بزرگ در این آیه می فرماید کسی که اهل دعا کردن نیست و به خداوند ابراز نیاز نمی کند، از مستکبران است؛ همان کسانی که از عبادت خداوند احساس بی نیازی می کنند. نکته ظریف دیگری که اینجا وجود دارد، این است که در جمله اول، سخن از دعا بود اما در جمله دوم می فرماید کسانی که از عبادت من تکبر بورزند، آن ها را با ذلت وارد جهنم می کنم که اینجا خداوند تعالی، دعا را مساوی با عبادت قرار داده است. اما نکته ای که در صدد توجه دادن به آن در این باره شریف بودیم، همین است که نقطه مقابل اهل دعا بودن، احساس استغنا و استکبار از خداوند بی نیاز است؛ اتفاقی که انسان را دلیل و جهنمی می کند.

شاعر در بیتی زیبا درباره نماز می گوید:

مرا غرض ز نماز آن بود که پنهانی

حدیث درد فراق تو با تو بگذارم

یعنی خواندن خداوند و درد دل کردن با او هدف نماز است. امام صادق^(ع) در روایت زیبایی مرتبط با این موضوع می فرماید: مَا يُمْتَعُ أَخَذَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غَمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَ يَتَكَبَّرُ رُكْعَتَيْنِ فَيَقُودُ...! فیهما؟ اما سمعت...! یقول: «واشتعینوا بالنَّصْرِ وَالصَّلَاة».

چه چیز مانع می شود که هرگاه بر یکی از شما غم و اندوه دنیایی رسید، وضو بگیرد و به سجده گاه خود رود و دو رکعت نماز گزارد و در آن دعا کند؟ مگر شنیده ای که خداوند می فرماید: «از صبر و نماز مدد بگیرد؟»، تفسیر عیاشی، ج یک، ص ۵۸، ح ۳۹ شاعر نزدیک به این مضمون می گوید:

خیز و براج فلک پرواز کن

بال مرغ روح خود را باز کن

خلوت دل، خانه عشق خداست

با نماز آن راز را ابراز کن.

اما این دعا و صحبت کردن با خدا که در تمام نماز وجود دارد، در یک بخش از نماز جلوه بیشتری دارد و بهتر این مناجات و دعا رنگ می گیرد و آن قنوت است؛ یک قنوت عاشقانه و توجه واقعی ما در یک قنوت عاشقانه به خداوند، می تواند ما را در نماز بالا ببرد و معراج را برای ما محقق کند و ما را از خودمان جدا و به خدایمان نزدیک کند که طبق بیان علما، قنوت هنگام وصل شدن به خدا و اوج گرفتن این گفت و گو با خداوند است. غالب مراجع حتی در این بخش مجوز داده اند که نمازگزار، فارسی و به زبان مادری دعا کند تا این دعای خالصانه و این صدا زدن خداوند از روی صدق، بتواند هدف نماز را محقق کند و رسالت این عبادت بزرگ را به سرانجام رساند. از خداوند بزرگ می خواهیم که همه ما را از اهل توجه و دعا قرار بدهد و نمازهای ما را با این دعاهای عاشقانه و استجابات خود کامل کند. ان شاء...

بردار و بخوان

احکام و آثار قرض در فقه اسلام

دین ما برای احکام و مناسبت های زیست اجتماعی، قواعد و مناسبات مشخصی تعیین کرده است. اصول مالی و قرارداد های اقتصادی نیز از این زمره اند؛ کتابی که امروز به آن می پردازیم، درباره سنت حسنه قرض است. قرض دادن، سنتی نیک میان مسلمانان است که عمل به آن می تواند هم فرد و هم جامعه را از بسیاری از مشکلات دور کند و باعث تعالی ارزش های اخلاقی در اجتماع شود. درواقع قرض الحسنه از منظر قرآن و سنت، فرصتی است برای کسب فضایل و رحمت الهی. کتاب «احکام و آثار قرض در فقه اسلام» با روشی علمی به تحلیل و توصیف احکام و آثار قرض در فقه اسلامی می پردازد. در این اثر گفته می شود که با ایجاد و توسعه فرهنگ قرض الحسنه، علاوه بر اینکه آثار و برکات فراوان آن را در زندگی خویش تجربه می کنیم، به پیشرفت و شکوفایی جامعه نیز دست پیدا می کنیم؛ زیرا در جامعه ای که دستگیری و کارگشایی از یکدیگر رایج باشد، روحیه ایثار، فداکاری، احسان و نوع دوستی تقویت می یابد. آن گاه با قرض دادن به افراد یا ایجاد و کمک به صندوق های قرض الحسنه، زمینه اشتغال، ازدواج و ده ها همکاری مفید دیگر برای جوانان نیازمند و خانواده های تهیدست فراهم می شود و ازطرف دیگر با گسترش سنت خوب قرض الحسنه، بساط چپاولگری، ربا و ربا خواری و ده ها مفاسد مالی دیگر، کم کم از بازار مسلمین برچیده خواهد شد. درنتیجه می توان فاصله بین ثروتمند و فقیر را کم کرد و جامعه را به سوی فضای سالم مالی و اعتدال اقتصادی سوق داد.

قرض در نظام فقهی و حقوقی و اخلاقی از جایگاه والایی برخوردار است. درواقع قرض الحسنه یک آزمون الهی است، همان طور که نماز، زکات و جهاد آزمون های الهی هستند و همه در این آزمون، سنجیده می شوند و در این عرصه، درجه خلوص، مروت و انسانیت مشخص می شود. هر عقدی که منعقد می شود، دارای آثاری است. عقد قرض هم به همین شکل است. زمانی که این عقد منعقد می شود، موضوع عقد یعنی مال به مقتضی انتقال داده می شود؛ به این معنی که او بعد از انعقاد عقد قرض، مالک مال تصور می شود. اگر موضوع عقد قرض عین معین بود، در این حالت دارای منافع است. از زمان انعقاد عقد این منافع به شخص مقتضی تعلق می گیرد.

در دین مبین اسلام، توجه به نیازها و مشکلات یکدیگر و تلاش برای رفع آن ها، شرط لازم و لاینفک مسلمانی شمرده شده است. بی توجهی به نیازهای یکدیگر و بی تفاوت بودن در برابر مشکلات هم نوعان، هرگز نمی تواند از ویژگی های یک انسان مکتبی باشد. پس قرض، سنتی نیکو از سنت های الهی و یکی از مباحث فقهی و نظام اقتصادی اسلام نیز است که عمل به آن می تواند هم فرد و هم جامعه را از بسیاری از مشکلات دور سازد و باعث تعالی ارزش های اخلاقی عاملان آن شود. درواقع قرض الحسنه از منظر قرآن و سنت، یک «فرصت» تلقی شده است؛ فرصتی برای کسب فضایل و رحمت الهی. «احکام و آثار قرض در فقه اسلام»، کتابی نوشته محمد حسین موسی خانی است که در نشر عطریان به چاپ رسیده است. این اثر با توجه به اهمیت مسئله با شوه کتابخانه ای و روش تحلیلی توصیفی به بررسی آداب و احکام دین و قرض و آثار آن در فقه اسلامی پرداخته است.



شهریار
شاهرانوز
۱۳۳۶
۱۳۳۶
۱۳۳۶

۱۴



محبت و مودت، ۲ نعمت الهی برای آرامش همسران

دلوایس شادمانی توهستم

گزارش

حمیده ذاکری خانه، مانند محبت واژه ای است که برای همه ما آشناست؛ واژه ای که برای بیشتر ما هم معنی با آرامش و امنیت است؛ آرامش و امنیتی که خداوند آن را یکی از نشانه های قدرتش شمرده و عوامل تأمینش را هم محبت و مودت بین زن و مرد دانسته است؛ محبتی که اساس خانه را می سازد و افراد خانواده را در کنار هم دوست و پشتیبان قرار می دهد؛ همان طور که در قرآن می خوانیم: «و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد. یقیناً در این [کار شگفت انگیز] نشانه هایی است برای مردمی که می اندیشند» (سوره روم، آیه ۲۱).

حال سؤال اینجاست که از این دو نعمت محبت و مودت چطور باید مراقبت کرد تا همیشه در پناهشان آرامش و امنیت داشت؟ سیره و سخنان ائمه اطهار^(ع) یکی از منابعی است که می تواند به روشنی به این سؤال پاسخ دهد.

به او بگو دوست دارم

درست است که محبت بین همسران هدیه ای است که خداوند به ما بشارت آن را داده است اما این هدیه، مانند گیاهی است که مراقبت می خواهد تا رشد کند و بالنده شود. یکی از راه های رشد محبت و دیدن ثمرات آن در خانواده، ابراز کلامی آن است؛ چنان که از پیامبر خدا^(ص) می خوانیم: «این گفتار مرده به همسرش که من تو را دوست دارم، هرگز از قلب زن بیرون نمی رود» (کافی، ج ۵، ص ۵۶۹). ائمه اطهار^(ع) خود در این زمینه الگویی عملی بودند؛ به طور مثال می توانید یک بار حدیث کسا را بخوانید تا بیاموزید که آن خانواده چگونه با احترام و محبت، یکدیگر را خطاب می کنند و احساس خود را در قالب کلمات نشان می دهند.

با همسرت مدارا کن!

هیچ رابطه ای بدون چالش و اصطکاک نیست. تنها افراد غریبه هستند که هیچ گاه با هم درگیر نمی شوند و به مشکل بر نمی خورند. با آگاهی از این موضوع باید به فکر چاره باشیم و خودمان را برای موقعیت های چالش برانگیز آماده کنیم. نوسداری مدارا، یکی از ابزارهای مقابله با چالش بین همسران است؛ ابزاری که با به کارگیری آن نه تنها چالش را حل می کنیم، بلکه به رابطه مان صمیمیت و صفای بیشتری می بخشیم. حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) در این باره می فرمایند: «همیشه با همسرت مدارا کن و با او به نیکی هم نشینی تا زن زندگی ات باصفا شود».

(مکارم الخلاق، ص ۲۱۸).

پرتوقع نباش!

هر گیاهی هر چند مقاوم، آفت هایی دارد و هر رابطه ای هر قدر مستحکم، می تواند مورد تهدید قرار بگیرد. یکی از عوامل تهدیدکننده آرامش در خانه و رابطه همسران، توقع بیجا است. توقع بیجا می تواند دو شکل داشته باشد؛ گاه ما خواسته ای بیش از توان همسرمان از او می خواهیم و این گونه او را در فشار و تنگنا قرار می دهیم. رسول خدا^(ص) در این باره هشدار داده، می فرمایند: «برای زن جایز نیست که شوهرش را به بیش از توانایی اش مجبور کند» (جامع احادیث شیعه، ج ۲، ص ۲۳۹). گاه هم نیازمان را به زبان نمی آوریم اما با روبا بافی یا چشمی در دل و ذهنمان، توقع و عقده چال می کنیم؛ عقده هایی که روی رابطه ما با همسرمان سایه می اندازد.

هم نشین یکدیگر باشید

حتما شنیده اید که می گویند از دل برود هر آن که از دیده برفت. می توانیم از هشدار این ضرب المثل درس بگیریم و تا می توانیم، برای تقویت محبت بین خود و همسرمان و سایر اعضای خانواده، با هم وقت بگذرانیم و برنامه های مشترک و تفرقه و خانوادگی ترتیب بدهیم. حقیقتش این است که لازم نیست کار عجیب و غریبی انجام بدهیم؛ همین که وقتی از روز را برای بودن در کنار هم و گفت و گو اختصاص بدهیم، قدم بزرگی در راه پرورش محبتمان برداشته ایم؛ کاری که در نزد خدا هم دوست داشتنی و ارزشمند است. رسول خدا^(ص) در این باره می فرمایند: «نشینن مرد در کنار خانواده اش، نزد خدای بزرگ دوست داشتنی تر از اعتکاف [و نشستن] در این مسجد من است» (تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲).

خشونت هرگز!

یکی دیگر از آفت های محبت بین همسران، خشم است. خشونت چه کلامی و چه رفتاری می تواند به آسانی رابطه ما را دچار مشکل کرده، آرامش خانه و خانواده را تهدید کند. پیامبر رحمت در این باره می فرمایند: «بهترین مردان امت من، آن کسانی هستند که درباره خانواده خود خشن و متکبر نباشند و بر آنان ترجم و نوازش کنند و به آنان نرسانند» (مکارم اخلاق، ص ۲۱۶). امام علی^(ع) نیز در سخنی درباره رابطه نیکوی خود و حضرت زهرا^(ص) می فرمایند: «به خدا سوگند، تا پایان عمر فاطمه^(ص)، یک بار او را به خشم نیاوردم و بر کاری مجبور نساختم و او هم مرا به خشم نیاورد و از دستور من سرپیچی نکرد» (مجلسی، ۱۴۳: ج ۴، ص ۱۲۴ به نقل از شفاء الغمه).

روشنا

انسان صبور و شکیبا، پیروزی را از دست نمی دهد، گرچه زمان رسیدن آن طولانی شود.

امام علی^(ع): لَا يَتَدَمُّ الصَّابِرُ الظُّفْرَ وَان طَالَ بِهِ الزَّمَانُ

بهارالانوار، جلد ۷، صفحه ۹۵

اول بیاز ما بعد اعتماد کن

دیدگاه اهل بیت^(ع) درباره اعتماد نابجا به افراد در زندگی

معصومین ما به آن اشاره مستقیم شده است. ائمه اطهار^(ع) دوستی و خوشرویی با دیگر افراد را امری نیکو دانسته اند اما برای این دوستی حدومرزی نیز قائل شده اند؛ به عنوان مثال امام علی^(ع) در حدیثی در این باره می فرمایند: «همه محبت را نثار دوست کن. اما همه اطمینان را به پای او مریز هرگونه همدردی و کمک مالی به او بکن، ولی همه اسرار را با او در میان نگذار». بازگو نکردن همه مسائل زندگی علی الخصوص رازهای خانوادگی، یکی از نکات مهم در دوستی هاست. ایشان در حدیث دیگری می فرمایند: «اعتماد کردن به هرکسی، پیش از آزمودن او، ناتوانی است».

پاسخ می داد که: «این آدم از خواهر و برادر بهم نزدیک تره!»؛ نزدیک بودنی که همیشه یک طرفه بود و ممکن بود حتی با یک تغییر سمت یا حتی تغییر میز کاری و ایجاد فاصله ازهم، پایان پذیرد. اعتماد کردن بیجا و به اندازه به افراد، ازجمله نکاتی است که در احادیث

مثل همه دوستی های نصف ونیمه دنیا، با دوستش تمام شود و این صمیمیت، جایش را به غریبگی یا حتی حس رقابت یا دشمنی بدهد. حرف زدن و باب و تاب تعریف کردن خاطرات، برایش جذاب تر از آن بود که بخواد به این گونه مسائل فکر کند. هر وقت هم کسی به او تذکر می داد،

احکام

آیتا...العظمی خامنه ای

در فرض سؤال، شما فقط طبق همان قراردادی که منعقد کرده اید، حق تصرف دارید، وگرنه تصرف، غاصبانه و موجب ضمان است.

آیتا...العظمی سیستانی

طبق قرارداد باید عمل کنید.

آیتا...العظمی شبیری زنجانی

در فرض رضایت بانک، مانعی ندارد.

آیتا...العظمی مکارم شیرازی

در صورتی که امکان عمل به قرارداد بانک نباشد، می توانید آن را تا زمان موفقیت، سرمایه گذاری کنید.

آیتا...العظمی صافی گلپایگانی

اگر وام تحت عنوان وکالت در خرید و فروش نقد و تسویه است، پول ملک بانک است و شما نمی توانید از پول بانک، کسب سود برای خود کنید.

آیتا...هادوی تهرانی

مراجه قراردادی است که به موجب آن، عرضه کننده (بانک)، بهای تمام شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود، آن را به صورت نقدی، تسهیل یا اقساطی، به اقساط مساوی یا غیرمساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می کند.

با این توضیح دریافت سود توسط طرف در صورتی مشروع است که مفاد این قرارداد از جمله خرید کالای مزبور تحقق پیدا کند. بنابراین استفاده از این تسهیلات در غیر مورد تعیین شده و در نتیجه تحقق نیافتن مفاد مراجه و انجام نشدن خرید مزبور، جایز نیست. همچنین اگر طبق قرارداد بانک با شما، مصرف این تسهیلات فقط برای خرید مزبور باشد و تا قبل از تحقق این خرید اجازه هیچ گونه تصرفی در این تسهیلات را نداده باشد، هرگونه تصرف دیگر در آن جایز نیست. اما اگر چنین اجازه ای در قرارداد پیش بینی شده باشد، استفاده از این تسهیلات به صورت موقت در محدوده ای که اجازه داده شده است، اشکال ندارد و پس از آن باید نسبت به تحقق مفاد قرارداد مراجه و خرید پیش بینی شده در آن اقدام کنید.

پیشش:

وام خرید کالا گرفتیم. اکنون اگر امکان خرید کالا فراهم نباشد، می توانم با آن وام، سرمایه گذاری کنم؟

پاسخ اجمالی:

در فرض سؤال، نمی توان وام را در غیر موردی که در قرارداد بانک آمده است، مصرف کرد، مگر اینکه با هماهنگی و موافقت بانک باشد؛ البته برخی فقها، اجازه چنین کاری را تا فراهم شدن امکان خرید کالا داده اند.

